



گپ و گفت

ضمیمه نوجوان

شماره ۱۷ | آتیر ۱۳۹۹

نوجوان
باز

۶۶

اسرارآمیز رو نگاه می‌کردم و خیلی دوست داشتم به چنین جزیره‌ای سفر کنم.

باتوجه به تجربه تون، اگر بخواین به نوجوان‌های ماتوصیه‌ای

داشته باشین که با انگیزه هدفشون رو دنبال کنن، چی می‌گین؟

من به عنوان کسی که سال‌ها تو کار کودک بودم به شمایی که صدای من رو می‌شنوی و نوشته رو میخونی باید بگم که اول خودت رو بشناس. اگر خودت رو بشناسی هدف‌ت رو هم می‌شناسی. وقتی خودت رو نشناسی، ندونی تو چه زمینه‌ای مستعدی و چی می‌خوای، بلا تکلیف می‌مونی.

تنها چیزی که شمارو به موفقیت می‌رسونه دعای خیر پدر و مادرتون. احترام به پدر به مادر. اصلاً از خدا بخواین شمارو بیمه کنه. من هرچی دارم از مادر دارم.

حتماً در انتخاب دوست و همکار دقت داشته باشین.

دوست خوب شمارو به آسمون‌ها می‌رسونه.

همنشینی با آدم بد، هم خودت رو کوچیک می‌کنه هم به زمین می‌زنت. با آدم‌هایی معاشرت کنید که آرزوهای بلند و خوب دارن.

همنشینی، انتخاب دوست و مطالعه مهمترین نکات هستند.



۶۶

کسانی که هم حرفه من هستند میتونن

خوراک‌های خوب و چیزهای خیلی ساده

درست کنن که بچه‌هامون از دست نرن.

دغدغه من الان اینه

ما نمی‌تونیم مثل دهه پنجاه باهاشون برخورد کنیم. چون بچه دهه نود با دهه پنجاه کاملاً متفاوت. من باید تفکرات بچه‌های امروز رو بشناسم، باید بدونم که نیازش چیه تا بتونم باهاش ارتباط بگیرم.

من بچه هفت هشت ساله دیدم که از خودش فیلم می‌گیره، تدوین می‌کنه و به سبک خودش تولید محتوا می‌کنه. اگر من در مقام پدر، مادر، معلم باهاش دوست باشم می‌تونم سبک محتوا رو بیرم سمتی که به اخلاقیات نزدیک باشه که هم خود بچه از دست نره و هم بچه‌های دیگه رو ترغیب کنه به این‌که یاد بگیرن. کی گفته نوجوون‌های الان گودزیلان، چون ما نمی‌تونیم به سوال هاش جواب بدیم و ناشناخته است و ما همش می‌خواهیم سرکوب کنیم و بگیریم من درست میگم و اشتباه لقب گودزیلا رو می‌ذاریم. نوجوون مثل مشتری می‌مونه، اگه نتونی جواب درست بهش بدی، میره سراغ موزیک‌ها و محتواهای دیگه.

اوضاع سینما، انیمیشن و حوزه هنری کودک نوجوان چگونه

از نظر شما؟

بینید کار من مثل کارخونه شیر می‌مونه که قسمت اولش با من. ماتوی برنامه مون داریم از مهارت شناختن خود صحبت می‌کنیم. «بچه محل» داره در رابطه با عشق، دوستی، محبت، مهارت زندگی، علم، دانش، عبادت و خدا حرف می‌زنه ما اینارو خیلی ریز و قشنگ لایه لای داستان‌ها می‌اریم. الان داریم روی مساله محیط زیست بحث می‌کنیم که خیلی مهمه. به عروسک آوردیم که از پسماندهای محیط زیست ساخته شده و همیشه از بطری‌های داخل شکمش میناله.

اگر به هجده سالگیتون برگردین دوست دارین چیزی رو

تغییر بدین؟

نه، من نوجوونیم رو خیلی دوست داشتم و خوشحالم از این‌که اون دوران رو گذروندم.

شخصیت آدم تو سنین کودکی و نوجوانی شکل می‌گیره، شما

چه چیزهایی رو تو اون دوران رقم زدین؟

من به شدت ماجراجو بودم. کارتونه‌های اون دوره به شدت تحت تأثیر قرارم می‌داد. از جمله پینوکیو، گالیور، سندباد، من خیلی دوست داشتم مثل سندباد ماجراجو باشم، جزیره

حتی توی برنامه قبلی تون هم خیلی به مساله فضای مجازی

پرداختین، درست؟

بله، اولین گروهی بودیم که توی حوزه کودک خیلی جدی درباره فضای مجازی صحبت کردیم و ۲۰۰۵ قسمت اشاره کردیم به این موضوع که فضای مجازی خوبه اما به شرط این‌که سوادش رو داشته باشیم و با نظارت بزرگترها باشه. فضا و محتوای برنامه طوری بود که بچه‌ها یاد بگیرن اگر توی فضای مجازی میرن به حرف پدر و مادر گوش بدن و خوراک مجازی شون رو درست انتخاب کنن. ما این هشدارها رو دادیم ولی بازبان کاملاً کودکانه. البته بگم که این موضوع با ۱۰ یا ۲۰۰۵ قسمت برنامه نه‌پایه نمی‌شه و باید خیلی گسترده‌تر از این حرفا به مساله پرداخت، چون به راحتی میشه ذهن بچه‌ها رو درگیر مواردی کرد که پوچ و بیهوده است. ولی کسانی که هم حرفه من هستند میتونن خوراک‌های خوب و چیزهای خیلی ساده درست کنن که بچه‌هامون از دست نرن. دغدغه من الان اینه.

اگر به صفحه اینستاگرام من نگاه کنید از همه چیز گذاشتم. از عشق به مادر تا دوست‌یابی و طنزهای جالب، بچه‌ها خیلی به بازی و سرگرمی نیاز دارن و ما نمی‌تونیم این رو کتمان کنیم ولی با خرد و سواد رسانه‌ای.

اگر شما وزیر آموزش و پرورش بودین و قرار بود کاری انجام

بدین، اون چی بود؟

از بچه‌ها می‌خواستم که درس رو به صورت عینی یاد بگیرن و دنبال نمره و حفظیات نباشن. درس رو بفهمن، درک کنن و باور کنن چون این خیلی مهمه. مثلاً بچه‌ها درس علوم رو به صورت عینی یاد بگیرن تا فقط شفاهی و تئوری. به خاطره جالب بگم؛ من یه کشوری رفته بودم برنامه اجرا کنم، مارو به یه موزه‌ای بردن که چندتا بچه دبستانی آورده بودن و دست هرکدم یک کاغذ و قلم داده بودن و رها کرده بودنشون توی چمن زار و میومدن میشستن رو نیمکت و نقاشی می‌کردن. از معلمشون پرسیدم: اینا دارن چیکار می‌کنن؟ گفت: اینا دارن در مورد زمین و خاک تحقیق می‌کنن، گفتم: چه تحقیقی؟ گفت: تحقیق می‌کنن که توی زمین و خاک چه چیزهایی وجود داره.

من اگر باشم میگم بچه‌ها زندگی رو عملی یاد بگیرن و کاری می‌کردم که رابطه بین معلم و دانش آموز، شاگرد معلمی باشه. من دوره خودم رو خیلی دوست داشتم. چون یه حسایی از معلم می‌بردیم. الان اینجوری نیست، بچه‌ها تعیین تکلیف می‌کنن. جایگاه معلم خیلی باید حفظ بشه و از طرفی معلم هم هدفمند و روانشناسی شده با بچه‌ها حرف بزنه.

به نوجوون‌های الان خیلی‌ها لقب گودزیلا دادن، شما اونهارو

چطور می‌بینین؟

نوجوون‌های الان تشنه سوال و جوابن، تشنه دیده شدنن.

یا حواسمان نبود برای رنجی که صادقانه از مشکلات کودکان و نوجوانان کشورت می‌کشی و باعث شده، همه فکر و ذکر بشود ساختن آینده همین آینده سازان میهن؛ قدردان تو باشیم، تو به راحت ادامه بده.

می‌دانیم درد روز جامعات را درک می‌کنی و یک‌تنه، در این آشفته بازار رسانه‌های خارجی و حتی گاهی داخلی؛ سواد رسانه‌ای شده دغدغات و به جای آن‌که مثل خیلی از چهره‌ها و ستاره‌های امروز؛ از رسانه برای تبلیغ خودت و بالا بردن محبوبیت و شهرت استفاده کنی؛ از محبوبیت و شهرت برای بالا بردن سواد رسانه‌ای کودکان این آب و خاک مایه می‌گذاری. این خود خود حقیقی توست، حتی اگر یادمان برود به تو بگویم؛ دست مریزاد!

عموی مهربان بی پایان!

۲۰ سال می‌شود که «پورنگ» سرزمین پناورمان ایران شده‌ای و پیرنگ آینده‌ای روشن و سرشار از امید و آگاهی را برای آنها که دوستشان داری؛ یعنی کودکان و نوجوانان کشورت؛ نقش زده‌ای.

به رسم ادب اما بازبان دهه هشتادی‌های هم‌سن و سال خودت؛ از تو تشکر می‌کنیم و می‌گوییم: دمت گرم!

پرچم این راه پرفراز و نشیب هنوز هم توی دست‌های توست. لطفاً سفیر این پیام بزرگ بمان!



فکر کن ما هم یادمان می‌رفت آن همه تلاش شبانه‌روزی‌ات را برای زدن حرف‌های بزرگ با واژه‌های ساده و صمیمی از قاب جادویی تلویزیون.